
چندگفت وگو دربارهٔ تجدد

سیروس علی نژاد



یادداشت

تنت و قدرتیته را نباید روی هم آرز داد

۱۱ گفت وگو با جمشید بهنام

روشنگری دست اول، روشنگری دست دوم

۲۲ گفت وگو با داورش انوری

نقد روشنگران نبودند که قضا را بچرخیدند

۵۵ گفت وگو با سید علی حسینی

عزای لازمی از انقلاب

۸۳ گفت وگو با سید محمد باقر میرزا

نقد روشنگری ما با استیلا

۱۰۷ گفت وگو با سید محمد باقر میرزا

بگرد راه بیشتر وجود ندارد راه حل

۱۲۱ گفت وگو با سید محمد باقر میرزا

سیر تجدد خوانی در افکار سادات

۱۳۷ گفت وگو با سید محمد باقر میرزا

ایران را دلبده گفتم و آمدیم گشت

۱۵۵ گفت وگو با سید محمد باقر میرزا

www.nagarbookshop.ir

تلفن ۰۲۱ ۷۷۷۷۷۷۷۷

فهرست

- یادداشت
۷ سنت و مدرنیته را نباید روبه‌روی هم قرار داد
- ۱۱ گفت وگوبا جمشید بهنام
روشنفکری دست اول، روشنفکری دست دوم
- ۳۱ گفت وگوبا داریوش آشوری
فقط روشنفکران نبودند که فضا را بسته بودند
- ۵۵ گفت وگوبا علیرضا علوی تبار
هوای تازه‌ای در مباحث نظری ما وزیدن گرفته است
- ۸۳ گفت وگوبا بابک احمدی
نبض روشنفکری ما با سنت می‌زند
- ۱۰۷ گفت وگوبا هوشنگ ماهرویان
یک راه بیشتر وجود ندارد راه حل دوم و سوم سرابی بیش نیست
- ۱۲۱ گفت وگوبا موسی غنی‌نژاد
سیرتجددخواهی در افغانستان
- ۱۳۷ گفت وگوبا رهنورد زریاب
ایران را «قبله» گفتیم و آمدیم اما...
- ۱۵۵ گفت وگوبا رحیم مسلمان قبادیانی

یادداشت

کشاکش ما با تجدد حدود صدوپنجاه سالی است که آغاز شده و گویا به امر پایان‌ناپذیری بدل شده است. بی آن‌که دستاوردهای این کشاکش را بتوان انکار کرد، به جرئت می‌توان گفت که ما افتادن در جاده تجدد را چندبار، به صور گوناگون و هر بار از نو شروع کرده‌ایم و شکی نیست که در این راه به جاهایی هم رسیده‌ایم. با وجود این، اکنون در سال ۱۳۸۶ خورشیدی هنوز در جایی قرار داریم که می‌توان گفت راه درازی تا مقصد باقی است. در طول این صدوپنجاه سال، یکبار در نهضت مشروطیت، آنگاه در دوره رضاشاه و سرانجام در پنجاه سال اخیر بارها کوشیده‌ایم در این مسیر قرار گیریم ولی هیچ‌یک از این حرکات، تهی از ضد خود نبوده و هر بار سنت از درون آن چنان با قدرت سر برآورده که رسیدن به هدف را دشوار کرده است. علت‌یابی این امر موضوع کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری است که به‌ویژه در سال‌های اخیر نوشته شده و هنوز باید نوشته شود. آنچه در این جا می‌توان ادعا کرد این است که در دهه‌های پیش از انقلاب اسلامی، هیچ‌گاه تجدد به صورت مستقیم مورد بحث روشنفکری جامعه قرار نداشت. گفتمان غالب جامعه ایسم‌های گوناگونی بود که هر بار با یکی از آن‌ها دست به گریبان بودیم اما در دوره پس از انقلاب به جای همه آن‌ها، تجدد و مدرنیسم به‌طور مستقیم موضوع بحث